

ایده های مناسب از کارگاه خداوند

رومیان باب ۱۲ آیات ۱ الی ۸



بنابراین ای برادران من، با توجه به این رحمت های الهی، از شما در خواست می کنم بدنهای خود را به عنوان قربانی زنده و مقدس که پسندیده خداست، به او تقدیم کنید. عبادت روحانی و معقول شما همین است. هم شکل این جهان نشوید بلکه به وسیله تجدید افکار، وجود شما تغییر شکل یابد تا بتوانید اراده خدا را

تشخیص بدهید و آنچه را که مفید و پسندیده و کامل است، بشناسید. من به عنوان کسی که فیض خدا نصیبش شده است، به همه شما می گویم درباره خود افکار اغراق آمیز نداشته باشید؛ بلکه به نسبت ایمانی که خدا به هر یک از شما داده است، خود را با اعتدال بسنجید. همان طور که در یک بدن اعضای مختلف هست و تمام اعضا یک وظیفه ندارند، ما نیز اگرچه بسیاریم، در اتحاد با مسیح، همه ما یک بدن را تشکیل می دهیم و فردا فرد نسبت به هم اعضای یکدیگریم. بنابراین ما باید عطایای مختلفی را که خدا بر طبق فیض خود به ما داده است بکار ببریم: اگر عطیه ما اعلام کلام خداست، باید آن را به فراخور ایمانی که داریم انجام دهیم. اگر خدمت کردن است، باید خدمت کنیم. اگر تعلیم دادن است، باید تعلیم بدهیم. اگر تشویق دیگران است، باید چنان کنیم. مرد بخشنده باید با سخاوت و مدیر، باید پرکار باشد و شخص مهربان با خوشی خدمت خود را انجام دهد.

درواقع چه دلیل منطقی وجود دارد که انسان برای مراسم عشای ربانی به کلیسا برود. آیا پس از مدت معینی به من مدرک دیپلم میدهند برای انجام این کار؟ آیا کسی بابت آن پولی دریافت خواهد کرد؟ آیا منافع دیگری خواهد داشت اگر من به کلیسا بروم؟ چه چیزی نصیب من خواهد شد؟ و چه اتفاقی خواهد افتاد اگر امید من نصبت به کلیسا از بین برود؟ بله، متأسفانه افراد بسیاری وجود دارند که در مورد کلیسا سرود های غم انگیزی میخوانند (انتظار بیجا داشتن). خیلی از مسایل آن طور که ما دوست داریم اتفاق نخواهد افتاد. بعضی از اوغات من در مورد کلیسا حسی شبیه به حس کسی را دارم که بلیط هواپیمایش را اشتباه خریده است و همین طور اشتباهها به کشور دیگری رفته است. او به جای این که به شهر سیدنی در استرالیا برود به شهر سیدنی در آلاسکا رفته است. طبیعتاً این برای آن فرد یک سورپرایز احمقانه خواهد بود که به جای آفتاب و ساحل تنها شن و سرما نصیبش شده است. دقیقاً برخی از کسانی که به کلیسا می آید حسی شبیه به این فرد دارند و همیشه با عصبانیت مینالند از این که همه چیز همانند آن که آنان تصورشان را داشته اند پیش نرفته است. فهرست چنین شکایاتی بی پایان اند: برای برخی موعظه ها بسیار طولانی هستند، برای برخی دیگر

حتی این موعظه ی طولانی نیز کافی نمی باشد، برای برخی سرود ها بسیار قدیمی هستند، موسیقی سبکی بسیار قدیمی دارد، برای برخی مناجات ها کاملا نا آشنا هستند، برخی نمیدانند که چه موقع باید برخیزند کی بشینند و کی زانو بزنند. طبیعتا در بسیاری از کلیسا ها اعضای وجود دارند، جلسات طولانی برگزار میشوند، کارگاه هایی دارند، ایده هایی دارند که چه چیزی را میتوان تغییر و یا بهتر کرد. در این صورت اقدامات زیادی انجام خواهد گرفت هزینه های زیادی پرداخت خواهد شد و انرژی زیادی صرف خواهد شد اما همیشه به رضایت صد درصد ختم نخواهد شد. با هر یک از نظرات شما ما مطلع و مطمئن می شویم که در واقع چه چیزی مهمترین هدف و خواسته ی ما در مراسم عشای ربانی می باشد. تمام پاسور ها و به خصوص پولس رسول نیز میخواهد ما را در این راه حمایت و کمک کند. به همین دلیل اوانجیل طولانی رومیان را نوشت و او در ۱۱ باب طولانی مطالب مقررات و آداب و رسوم اصلی ایمان را به ما می آموزد و توضیح می دهد. او می فرماید که موسی برای ما ۱۰ فرمان را مشخص نموده است. او توضیح می دهد که این ۱۰ فرمان کماکتن و به صورت روزمره توسط انسان ها شکسته می شوند. امروزه نیز همین طور می باشد. و بنابراین خداوند برای نجات و هدایت ما انسان ها فرزندش را به عنوان قربانی برای ما ارسال می نماید. توسط عیسی مسیح ما در صلح خداوند هستیم و میتوانیم به سمت او برویم حنا اگر مملو از گناه باشیم. و تنها در ابتدای باب ۱۲ پلوس رسول برای ما توضیح میدهد که ما چگونه باید این کار ها را انجام داده و ادامه دهیم. ما باید خودمان را به او بدهیم. و این باید هدف منطقی مراسم عشای ربانی ما باشد که پولس آن را برای ما شرح می دهد. هیچ چیز غیر منطقی نیست. بلکه منطقی است. بلاخره کسی می پرسد که چه چیزی عاید من میشود؟ در آنجا برنده ی چه چیزی برای خودم میشوم؟ و دقیقا این همان نقطه است ... در اینجا من کاملا به روش دیگری باید با عشای ربانی پیش بروم نسبت به چیز های دیگر. هنگامی که من به سینما و یا کنسرتی بروم می توانم در مورد آن صحبت کنم که آیا از این فیلم و یا از این موسیقی لذت برده ام یا نه؟ اما با عشای ربانی این کاملا متفاوت می باشد. در آنجا من خود مورد پرسش قرار خواهم گرفت. به دلیل این که عشای ربانی در دستان من نیست بلکه من خود در دستان خداوند هستم. و به طریقی بسیار خاص. آن در جسم و روح من نفوز خواهد کرد. به همین دلیل من نمیتوانم با عشای ربانی همانند یک شی رفتار کنم که اگر آن را احتیاج داشتم از آن استفاده کنم و هنگامی که از آن بی نیاز شدم آن را دور بیندازم. بلکه من خودم را در عشای ربانی به خداوند زنده می سپارم. این آگاهی قبلی به صورت قابل توجهی برای زندگی ما به عنوان یک مسیحی در جامعه بسیار مهم می باشد. این واقعیت پیامد های بسیار مهمی برای دیگران دارد که ما در کلیسا چه کاری را انجام داده و یا نمی دهیم. اجازه دهید که با یک مثال برایتان شرح دهم: یک عقیده ی بسیار رایج در میان مسیحیان مدر غربی وجود دارد که عشای ربانی برایشان دیگر اهمیت خاصی ندارد. بعد از تائیدیه ی نهایی آنان تمام چیز هایی را که باید می فهمیدند را فهمیده اند و تنها باید در ادامه به عنوان یک مسیحی زندگی کنند و دیگر لزومی ندارد که به کلیسا بروند. این گونه مسیحیان تنها این را از مسیحی بودن متوجه شده اند که تنها باید کارهای نیک انجام

دهند و دیگر هیچ. مثلا به یک موسسه ی خیریه کمک کنند و یا کار های خوب دیگر. به همین خاطر عشای ربانی برای آنان معنی ندارد. سوالی که انسان از این چنین انسان ها باید بپرسد ای است که: پس خداوند در کجای این اعمال خوب شما وجود دارد اعمالی که هر وقت بخواهید می توانید انجامش دهید و هر وقت که نخواهید آن را انجام ندهید. نه در کلیسا نمی توانیم راجع به این چنین چیز هایی که دوست می داریم و اثناباه هستند و من هم اکنون برایتان شرح دادم صحبت کنیم. در غیر این صورت خداوند خود بر علیه ما خواهد شد. وقتی که من در اطاق پذیرایی خانه ی گرمم یک بخاری دارم هیچ موقع به فکر این نخواهم افتاد که بگویم: گرما را من احتیاج دارم ولی بخاری را نه. نه این را ما می دانیم که گرمی و عشقی را که ما در کلیسا دریافت می کنیم از جانب خداوند می باشد و نه از جانب بندگان او. به همین دلیل که ما به سوی جلو و در جهت خداوند قدم بر می داریم تا از عشق و گرمای بی نهایت وی بهره مند گردیم. این در کلیسا اتفاق می افتد. در آنجا است که هوش از سر انسان می رود. من می توانم عشای ربانی را به زبان خودم بشنوم و دعا کنم. به همین دلیل ما برگه های دعای عشای ربانیمان را نیز به زبان فارسی ترجمه نموده ایم. کسی نباید بماند که بگوید مراسم عشای ربانی را متوجه نشده است. و هنگامی که کسی در مراسم عشای ربانی چیزی را متوجه نشد موظف است در جلسه ی صحبت در مورد موعظه ی روز سواش را مطرح نماید تا پاسخش را بشنود.

همواره این را باید بدانیم که تمامی این صحبت ها و موعظه ها نظرات انسانی و یا حتی نظر شخصی خود پاستور نیست بلکه تمامی آنان کلام خداوند می باشد. و وقتی من این را در پس زمینه ی فکرم بدانم تاثیر بسیار زیادی در توقعات من از عشای ربانی دارد. در عشای ربانی این برای من روشن است که من تنها نیستم. کسان دیگری نیز هستند که همانند من به آنجا آمده اند. آنها نیز می خواهند آنجا باشند و برکت خداوند را به دست آورند. طبیعتا ما انسان ها هیچ گاه یکسان نیستیم. بنابر این طیف گسترده ای از تنظیمات در موعظه ها وجود دارد. این که یک عضو کلیسا سرودی مدرن و یا قدیمی را می سزاید، این که او آیین های باستانی و یا مدرن کلیسایی را رعایت می کند، و این که کلیسا چه نوع معماری دارد. حتی در مورد چنین چیز هایی نیز می تواند انسان منحرف گردد. اما وقتی ما این را بدانی که همه ی این ها بخاطر این است که هر کس به شکل و طریق دیگری برکت خداوند را دریافت می نماید و او را ستایش کند و از او تشکر کند می تواند هنگامی که چیزی طبق میلش پیش نرفت را آزادانه قبول کند. ما میتوانیم به عنوان یکجامعه بسیار بهتر و با آزادی بیشتر باهم برخورد کنیم وقتی که بدانیم و معتقد باشیم که خداوندمان در حال صحبت کردن با ما است. ممکن است من همیشه از موعظه خوشم نیاید. هنگامی که برای من واضح است که من در کلیسا به دیدار خداوند زنده می روم پس نباید خود را برای این که از موعظه ی پاستور خوشم نمی آید اذیت کنم و اجازه دهم خداوند در من وارد شود. در کلیسا و جامعه تنها فکر ها و عقیده های من نیستند که تصمیم گیرنده هستند. نه در شنیدن سرودن جشن گرفتن و دعا کردن کلیسایی من تنها نیستم بلکه مکان خود را همراه با دیگران

در عیسی مسیح پیدا کرده ام. بنابر این عشایربانی مکانی است که من میتوانم عشق و گرمای خداوند را دریافت نمایم و آن را نشر دهم. تمام این کارها را من به تنهایی نمی توانم انجام دهم. تنها من از عشای ربانی و خود عیسا مسیح جدا خواهم شد و سریعاً دعا و رفتار مسیحین به پایان خواهد رسید. عشای ربانی به ما زمین زیر پایمان و نفس طولانیمان را می دهد. اینگونه میتوانیم خدا را دوست داشته باشیم و نه تنها خود را. آمین

M.Hidden